

غزل شماره ۲۸۱

یارب این نوکلِ خندان که سپردی به تَش
می سپارم به تو از چشمِ خودِ چمنش

کرچه از کویِ وفا کشت به صد مرحله دور
دور باد آفتِ دورِ فلک از جان و تَش

کر به سرمتزل سلمی رسی ای بادِ صبا
چشم دارم که سلامی برسانی ز تَش

به ادب نافه‌کثایی کن از آن زلفِ سیاه
جای دل‌های عزیز است به هم بر مزنش

کو دلم حق و فابا خط و خالت دارد
محترم دارد در آن طرهٔ عنبر سکنش

در مقامی که به یاد لبِ او می‌نوشند
بغله آن مست، که باشد خبر از خویشش

عرض و مال از در میخانه نشاید اندوخت
هر که این آب خورد رخت به دریا کفکش

هر که ترسد ز ملال انده عشقش نه حلال

سَرِ ما و قدمش یا لبِ ما و دهنش

شعر حافظ همه بیتُ القزلِ معرفت است
آفرین بر نفسِ دلکش و لطفِ سحرش

تفسیر فال

فکر می‌کنید که رسیدن به حاجت و خواسته‌تان ممکن است غیرممکن و محال به نظر برسد، اما باید بدانید که به زودی خبری بسیار خوشحال‌کننده و امیدبخش در انتظار شماست. در این لحظه، احساس بی‌قراری و بی‌تابی شما را فراگرفته است؛ گویی دل‌تنگی برای معلومات تازه شما را ملزم کرده تا از هر کسی که با او ملاقات می‌کنید، خبری بپرسید. اما در این میان، مهم است که به یاد داشته باشید انتظار امروز می‌تواند تلخ باشد، اما وصالی که فردا

نصیب شما خواهد شد، بسیار شیرین‌تر و دلپذیرتر از آن خواهد بود که تصور می‌کنید. شما خود را به دستان سرنوشت سپرده‌اید و با ایمان راسخ اعتقاد دارید که هر آنچه پیش آید رضای حق در آن نهفته است. این حس اعتماد به تقدیر نه تنها آرامش خاطر را به همراه دارد بلکه قدرت تحمل چالش‌ها را نیز افزایش می‌دهد، زیرا بر اساس باورهای عمیق خود مطمئن هستید که نتیجه نهایی برایتان بهترین خواهد بود.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)